

# درآمدی بر معنا، ضرورت و کاربرد

## تفکر انتقادی در تعلیم و تربیت

دکتر رضاعلی نوروزی

دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و

تربیت دانشگاه تربیت مدرس تهران

آرزو ابراهیمی دینانی

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی

ذبیح الله خنجرخانی

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی

پذیرش نهایی: ۸۷/۶/۱۶

دریافت مقاله: ۸۷/۴/۱۰

### چکیده

یکی از ویژگیهای اساسی انسان آگاهی از رفتار خود و برخورداری از نیروی تفکر است؛ لذا انسان می تواند با آگاهی از رفتار خود هنگام برخورد با مسائل از قدرت تفکر خویش بهره ببرد. در این میان تفکر انتقادی امکان دستیابی به حقیقت را با عنایت به هم ریختگی حراذنی فراهم می کند که انسان را احاطه کرده است. و او را به درک کامل قضایا رهنمون می سازد. تفکر انتقادی آمیزه ای از دانش، نگرش و مهارت به کار بردن این توانایی در حیطه عمل است. در این مقاله پس از تبیین اهمیت و ضرورت تفکر انتقادی، مروری اجمالی بر مفهوم شناسی تفکر انتقادی صورت می گیرد و سپس چگونگی آموزش و ایجاد این نوع تفکر در فراگیران بیان می شود. با توجه به مطالعات انجام شده، پیشنهاد می شود که با بازاندیشی مریبان در شیوه های تدریس، درونی کردن ضرورت تفکر انتقادی در مریبان، آموزش کلنی در ارتباط با شیوه های ارائه این توانایی و سرانجام الزام کاربرد شیوه های آموزشی مبتنی بر تفکر انتقادی در کلاس، تفکر انتقادی فراگیران ارتقا یابد.

کلید واژه ها: تفکر انتقادی، تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، تفکر خلاق.

## مقدمه

پیشرفت انسان در زمینه علمی، ادبی، هنری، اخلاقی و معنوی همه در نتیجه تفکر اندیشمندانه حاصل می شود و حل مشکلات زندگی اجتماعی و ... در سایه تفکر و تعقل صورت می گیرد. حضرت علی (ع) در این زمینه می فرمایند: لا یستعان علی الدهر الا بالعقل: تنها از طریق عقل می توان بر زمانه پیروز شد (نهج البلاغه: ۳۲۱/۹۸۷ و شریعتمداری، ۱۸:۱۳۸۰). این در حالی است که امروز متأسفانه به دلیل پیشرفتهای علوم و فنون و براساس بعضی از رویکردهای روانشناختی، مدارس توجه خود را بیشتر به انتقال اطلاعات و حقایق معطوف کرده و از تربیت انسانهای متفکر و خلاق فاصله گرفته اند (شعبانی، ۵۱:۱۳۸۲). البته خوشبختانه در سالهای اخیر روانشناسان پرورشی و دیگر صاحب نظران از تأکید زیاد مدارس بر انتقال دانش و اطلاعات به دانش آموزان انتقاد کرده و معلمان را بیشتر به پرورش مهارتهای اندیشیدن و تفکر در یادگیرندگان توصیه کرده اند (سیف، ۱۳۷۹:۵۵۰). پژوهشها نشان می دهد آموزش مهارتهای تفکر به عنوان اولویت اصلی در برنامه ریزیهای آموزشی مراکز تعلیم و تربیت در نظر گرفته شده است (شعبانی، ۵۱:۱۳۷۸). به زعم استونر<sup>۱</sup> (۱۱:۱۹۹۹) آموزش تفکر انتقادی<sup>۲</sup> به انگیزه ای برای یادگیری، کسب مهارتهای حل مسئله، تصمیم گیری و خلاقیت منجر می گردد. از سوی دیگر، بدیهی است که در عصر کنونی کتابهای درسی قبل از چاپ شدن کهنه می شود و بیشتر مشاغل، سریعاً تغییر می کند؛ لذا تعلیم و تربیت نیز باید دگرگون گردد و به پرورش تفکر بویژه تفکر انتقادی در افراد به منزله یکی از هدفهای اصلی تعلیم و تربیت بیشتر توجه شود. در فرایند آموزش باید ضمن تقویت روحیه انتقادپذیری در معلمان،

زمینه بررسی و تحقیق را در شاگردان به وجود آورد (مایرز<sup>۱</sup>، ۱۳۷۴: ۱۵). از آنجا که موفقیت هر نظامی به توانایی افراد در تحلیل و تصمیم گیری متفکرانه بستگی دارد (شعبانی، ۱۳۸۲: ۵۱). آموزش و پرورش هر کشور نباید از این امر مهم غافل بماند. دانش آموزان در فرایند آموزش باید بتوانند ادراک حسی، فهم نظریات مختلف و تفکر علمی و نقاد خود را تقویت کنند و رشد دهند. چنین فرصتی با دستور دادن، موعظه کردن، القا و ترغیب به تقلید و اطاعت از دیگری به وجود نمی آید؛ زیرا محدود ساختن تعلیم و تربیت به انتقال و حفظ حقایق علمی، رشد طبیعی دانش آموزان را محدود می کند (شریعتمداری، ۱۳۷۹: ۲۳). بنابراین هدف اصلی تعلیم و تربیت باید تربیت انسانهای متفکر و خلاق باشد. همه دروس باید به فراگیران کمک کند تا ضمن استدلال، مطالب را تجزیه و تحلیل و ارزشیابی کنند (کومبز<sup>۲</sup>، ۱۳۷۱: ۲۱) تا بدین وسیله تفکر انتقادی در آنان شکل گیرد و برای ورود به عرصه کار و زندگی آماده شوند؛ زیرا تفکر انتقادی قدرتی ذهنی - جسمی در شخص ایجاد می کند که او را برای رقابتها و چالشهای دنیای به سرعت متغیر کنونی آماده می سازد (پل<sup>۳</sup>، ۱۹۹۳: ۵۶).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### تاریخچه تفکر انتقادی

علاقه به توسعه تواناییهای تفکر انتقادی در محافل آموزشی پدیده جدیدی نیست. منشأ چنین علاقه ای به آکادمی افلاطون<sup>۴</sup> بر می گردد. روش تدریس و دیدگاه سقراط<sup>۵</sup> در ۲۵۰۰ سال قبل مؤید این مطلب است. سقراط اهمیت پرسش سوالات عمیق را که موجب می شود انسان قبل از پذیرش اندیشه ای به تفکر در آن

1 - Miers

3 - Pual

5 - Socrates

2 - Cumbs

4 - Plato

پپردازد، نشان داد. روش او یعنی پرسش و پاسخ سقراطی یکی از بهترین راهبردهای آموزش تفکر انتقادی قلمداد می شود. در قرون وسطی نیز سنت تفکر انتقادی نظامدار در نوشته ها و آموزشهای متفکرانی همچون توماس آکویناس<sup>۱</sup> ظاهر شد. بعد از آن در دوران رنسانس نیز (قرون ۱۵ و ۱۶) در اثر جریان عظیم سکولاری در اروپا تفکر انتقادی در مورد مذهب، هنر، جامعه طبیعت انسانی، قانون و آزادی آغاز شد. سکولارها با این فرضیه پیش رفتند که بیشتر حوزه های زندگی انسان نیازمند بررسی و تحقیق تحلیلی و انتقادی است. در ادامه فرانسیس بیکن در انگلستان به معرفی بتهای چهارگانه پرداخت یعنی شیوه هایی که ذهن ما به طور طبیعی به خود فریبی تمایل دارد. دکارت از قواعدی برای هدایت فکر در مورد نیاز به جهت دهندهای نظامدار برای واداشتن ذهن به تفکر بحث می کند (قبول، ۱۳۸۴: ۴). وی درباره تفکر انتقادی معتقد بود که فلسفه را به علم نزدیک کند و با نزدیک کردن قضایای فلسفی به اندیشه های آکسیوماتیک، راهی برای دستیابی به این مقصود پیدا کند (نصرآبادی و نوروزی، ۱۳۸۳: ۷۴-۷۵). بنابراین، اگرچه ریشه های اصلی این اندیشه را باید در تفکرات افلاطون جست، این دانشمندان دوره رنسانس و بعد از آن بودند که اهمیت این مقوله را به طور جدی در آموزش خاطر نشان کردند. جان دیویی<sup>۲</sup> به عنوان نماینده دوران معاصر این مقوله را در مدارس به کار گرفت. به قول فیشر<sup>۳</sup> (۲۰۰۱: ۵) جان دیویی بود که تفکر انتقادی را به صورت پیشرفته با نام تفکر منطقی<sup>۴</sup> مطرح ساخت.

1 - Thomas Aquinas

3 - Fishe

2 - John Dewey

4 - Reflective thinking

## اسلام و تفکر انتقادی

تفکر انتقادی در سنت اسلامی ما جایگاه ویژه ای دارد. قرآن مهمترین توصیه ها را در مورد داشتن تفکر انتقادی به انسانها دارد. تقلید کورکورانه و بدون پشتوانه عقلی و منطقی بارها در قرآن مورد تقیح واقع شده است. کسانی که از روی عناد و لجاجت به شیوه آبا و اجداد خویش رفتار می کنند و اسیر تقلید هستند مورد مذمت واقع شده اند؛ چنانکه در سوره بقره آیه ۱۷۱ چنین بیان می شود: چون به آنها گفته شود که از آنچه خدا فرو فرستاده است پیروی کنید، می گویند ما از پدران خود پیروی می کنیم. آیا از پدرانشان پیروی می کنند؛ اگر چه آنها تعقل نمی کردند و هدایت نشده بودند یا در سوره زخرف آیه ۲۳ بیان می کند که هیچ پیامبری رسالت خویش را به مردم ابلاغ نکرد مگر اینکه با این سخن روبه رو شد که ما پدرانمان را بر آیین و عقایدی یافتیم و البته به آنان اقتدا خواهیم کرد. در بررسی این دو آیه آنچه آشکار است نبودن نگرشی انتقادی به سنت و عاداتی است که از گذشتگان به افراد منتقل شده است و آنها بدون تحلیل و نقادی و صرفاً از روی تعصب به پذیرش آن اقدام کرده اند؛ اما در شیوه تربیتی اسلام، آزادی بحث و انتقاد حتی درباره مسائل مذهبی از ویژگیهای منحصر به فرد مکتب اسلام به شمار می آید. هم چنین در سوره زمر، آیه ۱۷-۱۸ می فرماید: بشارت ده به آن بندگانم که سخنان را می شنوند و از بهترین آنها پیروی می کنند. آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است و آنان عاقلانند. در فرایند تعلیم و تربیت، فعال بودن شرط اساسی است و تفکر و استقلال فکری نقشی اساسی ایفا می کند. مسلماً روح تربیت اسلامی نیز اقتضای چنین امری را در پذیرش یا رد اعتقادات دارد. در تربیت اسلامی سعی بر این است که فراگیر از طریق تفکر و اندیشه ورزی و به دور از هرگونه تعصب کورکورانه سر تسلیم بر

ستان حقیقت فرود آورد؛ چنانکه مرحوم مطهری در کتاب جهان بینی توحیدی می نویسد: اسلام دین حقیقت گرا و واقعیتگرا است (میرلو، ۱۳۸۴). روایات متعددی نیز به این موضوع اشاره دارد. امام علی (ع) می فرمایند: اتهموا عقولکم فانه من الثقة بها یكون الخطأ: خرد خویش را متهم کنید چون اطمینان به آن اشتباه است (انصاری: ۵۳۶). امام علی (ع) در نهج البلاغه می فرمایند: العلم علمان: علم مطبوع و علم مسموع و لا ینفع المسموع اذا لم یکن المطبوع: «علم» دو علم است. یکی علم شنیده شده، یعنی فرا گرفته شده از خارج و دیگر علم مطبوع یعنی دانشی که از خود انسان سرچشمه بگیرد (منظور همان قوه ابتکار، تحلیل و تفکر خود شخص است). سپس می فرماید اگر علم مطبوع نباشد، علم مسموع فایده ندارد (نهج البلاغه: ۲۱۸/۹۲۳).

فردادی هستند که علم مطبوع ندارند یعنی آنها نسبت به آموخته های خویش، حکم ضبط صوت را دارند و نسبت به بازگویی مطالب عینی، آنها را تکرار می کنند اما در آن تدبری ندارند. امام صادق (ع) می فرمایند: ستون انسانیت، عقل است و از عقل، زیرکی، فهم، حفظ و دانش برمی خیزد و با عقل، انسان به کمال می رسد (کلینی: ج ۱: ۲۹). مناظره ها و مباحثات بسیاری از جمله مناظره امام صادق (ع) و طیب هندی، امام صادق (ع) و ابوشاکر، که امام را به فریب دادن مردم با افسانه متهم می کرد، مناظره امام صادق با جابرین حیان و موارد بسیار دیگر که به صورت پرسش و پاسخ و مناظره مطرح شده همگی بیانگر این مطلب است که شیوه تربیتی اسلام نسبت به مسائل، موضع انتقادی و در اصول و فروع دین طریقی جز پاسخ گفتن به شیوه استدلال همراه با حلم و متانت نیست (میرلو، ۱۳۸۴).

## اهمیت و ضرورت پرداختن به تفکر انتقادی

با توجه به رشد سریع اطلاعات و لزوم آگاهی از جدیدترین یافته ها در جهان امروز لازم است به پرورش تفکر انتقادی در افراد به منزله یکی از هدفهای اصلی تعلیم و تربیت بیشتر توجه شود. لذا به طور کلی می توان گفت که با عنایت به اینکه:

۱- تفکر انتقادی یکی از ابعاد اساسی وجود انسان است و پرورش آن سبب رشد آدمی می شود.

۲- تفکر انتقادی با ویژگیهای عقلانی انسان مانند کنجکاوی و ترقی طلبی منطبق است.

۳- کاربردی کردن یادگیری یا یادگیری براساس فعالیت خود یادگیرنده انجام می شود.

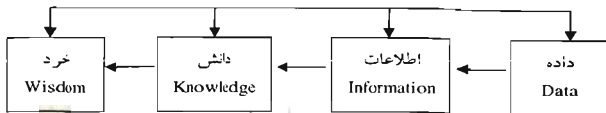
۴- متناسب با ویژگیهای عصر فراصنعتی و تغییر و تحول فزاینده آن است.

۵- برگرفته از اهداف اساسی تعلیم و تربیت است (تامسون، ۱۳۸۲: ۱۷). پرداختن به آموزش تفکر انتقادی از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

در این راستا باید خاطر نشان کرد که اطلاعات به خودی خود کارآمد و ارزشمند نیست بلکه زمانی می تواند کارآمد و ارزشمند باشد که روش کاربرد آنها نیز مشخص شده باشد. متأسفانه در نظام آموزشی ما اصالت در آموزش با انتقال اطلاعات است و این مسئله به صورت اساسی مشکل ساز است. امروزه اغلب کارفرمایان از کیفیت نظام آموزشی شکایت دارند و اظهار می دارند که جوانان پس از فارغ التحصیل شدن از مؤسسه و دانشگاه، مهارتهای لازم را برای انجام دادن کارها ندارند. شواهد نشان می دهد که نظام آموزشی ما روز به روز کارایی خود را بیشتر از دست می دهد در حالی که بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت بر این باورند که

هدف اساسی تعلیم و تربیت باید تربیت انسان متفکر و فرهیخته باشد. نتایج پژوهشها نشان می دهد که بیشتر دانش آموختگان فاقد مهارتهای تفکر سطح بالا هستند (شعبانی، ۱۳۷۸: ۴۵).

به اعتقاد آلوین تافلر<sup>۱</sup> در عصر دانایی اقتدار برای کسانی است که از دانش بیشتری برخوردار باشند. دانش از دیدگاه او در فرایند خاصی حاصل می شود.



شکل ۱- فرایند دانش، منبع: اقتباس از آبوت<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳

داده ها همان اطلاعات پراکنده و انبوهی است که ما در هر موضوع، از رسانه ها و ابزارهای گوناگون با آن روبه رو هستیم. اطلاعات، صورت طبقه بندی و تحلیل علمی شده داده هاست. دانش، صورتهای استخراج و کشف شده جدیدی است که بر بنیان اطلاعات دقیق و صحیح و منطبق با روش شناسی علمی خاص خود حاصل می شود. خرد ابزاری است که در کل این فرایند به صورت تفکر انتقادی در تبدیل داده ها به اطلاعات و اطلاعات به دانش مورد استفاده قرار می گیرد، اما مقصود از آن به عنوان هدف نهایی، نگرش مستقل، منطقی و علمی است که برای هر پژوهشگر متفکر به وجود می آید. (آبوت، ۱۹۹۳: ۷۵).

در کل می توان گفت تفکر انتقادی فرایند قضاوت خود تنظیم و هدفداری است



که سبب حل مشکلات و تصمیم‌گیری مناسب در فرد می‌شود این در حالی است که روشهای رایج آموزشی، افرادی با اطلاعات نظری فراوان تحویل جامعه می‌دهد که از حل کوچکترین مسائل جامعه در آینده عاجز هستند به گونه‌ای که گاه حتی بخش اندکی از این اطلاعات را به یاد نمی‌آورند و یا در صورت یادآوری، این اطلاعات منسوخ شده به شمار می‌آید؛ به عبارت دیگر روش آموزش سنتی در دانشگاه‌ها در بیشتر مواقع، مخلوطی از اطلاعات و مفاهیم را به دانشجویان ارائه می‌کند؛ اما آنان را در تجزیه و تحلیل، اولویت بندی و سازماندهی دانش نوظهور، که لازمه تفکر انتقادی است و به یادگیری مؤثر و با معنی منجر می‌گردد به حال خود می‌گذارد. باید اذعان کرد که مؤسسات آموزشی به هدف اصلی خود، که آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی و انتقال اطلاعات به محیط خارج از دانشگاه است، توجهی نمی‌کنند و این امر به ایجاد نارضایتی در آموزش دهندگان از نظر زیادی حجم مواد آموزشی و عدم کارایی فارغ‌التحصیلان در محیط کار منجر می‌شود. با این اوصاف به دلیل عدم توجه به این مهم در آموزش خلئی احساس می‌شود با توجه به این موارد پرداختن به مقوله تفکر انتقادی ضروری به نظر می‌رسد؛ لذا در این مقاله سعی می‌شود ضمن تشریح مفاهیم تفکر انتقادی، جایگاه آن در آموزش و پرورش مشخص، و راهبردهایی بیان شود که در راستای تحقق این امر ضروری است. بنابراین می‌توان گفت مسئله اصلی پژوهش تبیین معنای تفکر انتقادی و تبیین شیوه‌های کاربردی تفکر انتقادی در آموزش است که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

## نقش معلم در پرورش تفکر انتقادی

با عنایت به حجم وسیع اطلاعات در دسترس و نارسایی سیستم آموزش سنتی در آماده کردن حرفه ای فراگیران، لازم است نقش مراکز آموزشی به عنوان مخزن اطلاعات و استادان به عنوان سخنران و انتقال دهنده اطلاعات تغییر کند و فراگیران نیز به جای اینکه صرفاً به کسب و حفظ اطلاعات بپردازند، لازم است مهارت خویش را در تفکر و استدلال افزایش دهند و اطلاعات موجود را پردازش کنند و آنها را به کار بندند؛ به عبارت بهتر وظیفه مؤسسات آموزشی، رشد و پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی فراگیران است که موجب شناخت علمی و کسب معرفت صحیح می شود. لازمه این امر فراهم ساختن محیطی است که ایجاد سؤال، و آنان را به تفکر وادار کند. در چنین وضعیتی تعلیم و تربیت به بازاندیشی در اهداف و روشهای خود نیاز دارد. در این راستا نقش معلم از اهمیت بسزایی برخوردار است. برای ایجاد تحول در روشهای آموزشی باید در نقش معلم نوعی بازنگری و بازاندیشی صورت گیرد. در واقع اساسی ترین کار در این جریان، تغییر نگرش او نسبت به آموزش تفکر و بویژه تفکر انتقادی است. در این فرایند معلم باید دریابد که فراگیران برای تقویت قدرت فکری خود نیازمند چالش هستند. درگیری ذهنی است که تفکر را در ایشان بارور می سازد و بالندگی را به ارمغان می آورد (خلیلی و دیگران، ۱۳۸۲: ۵۴-۵۵).

## مفهوم شناسی تفکر انتقادی

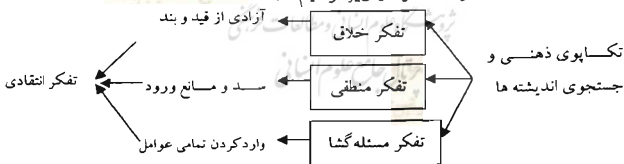
بسیاری از دانشمندان، انسان را حیوان متفکر می دانند و تفکر را فصل ممیز انسان و حیوان قرار می دهند. با اینکه پاره ای از آزمایشها نشان می دهد که تفکر در سطح

پایین و ابتدایی آن میان بعضی از حیوانات دیده می شود، تفکر اساسی مخصوص انسان است و علاوه بر جنبه فرهنگی طبیعت انسان، این خصوصیت نیز انسان را از سایر حیوانات مشخص و ممتاز می سازد (شریعتمداری، ۱۳۸۲: ۳۷۹).

قبل از پرداختن به تفکر انتقادی باید شناختی از تفکر داشته باشیم. دیویی درباره مفهوم تفکر می گوید: عملی است که در آن موقعیت موجود، موجب تأیید یا تولید واقعیت‌های دیگر می شود یا روشی است که در آن باورهای آینده براساس باورهای گذشته پایه گذاری می گردد (شعبانی، ۱۳۸۲: ۵۰).

خمیر مایه تفکر انتقادی، تکاپوی ذهنی و جستجو در اندیشه های نوشته و نانوشته به منظور دستیابی به نتیجه ای معتبر و مفید است. این گونه تفکر، آمیزه ای از تفکر خلاق، تفکر منطقی و تفکر مسئله گشا است. تفکر مسئله گشا همه عوامل ذی ربط را در تفکر انتقادی وارد می سازد. تفکر منطقی، راه نفوذ خطاهای منطقی را در تفکر انتقادی می بندد. تفکر خلاق، ابزار لازم را برای ترکیب مفاهیم به گونه ای متفاوت از گذشته فراهم می آورد (دیبانی، ۱۳۷۰: ۴۴)؛ یعنی اساس تفکر انتقادی سه نوع تفکری است که به عنوان مکمل باعث تکوین و تشکیل این نوع اندیشه می شود. می

توان این سیر را به صورت نمودار زیر ترسیم کرد:



شکل ۲- ملزومات تفکر انتقادی، منبع: مؤلف

شریعتمداری (۱۳۸۲: ۳۷۹) تفکر را جریانی می داند که در آن فرد کوشش

می‌کند مشکلی را که با آن رو به رو شده است مشخص سازد و با استفاده از تجربیات قبلی خویش به حل آن اقدام کند؛ ولی تفکر انتقادی بخشی از این تفکر به شمار می‌رود که در مراحل و سطوح بالایی این فرایند است. تفکر انتقادی تقریباً به معنای تفکر اندیشمندانه و منطقی است که در تصمیم‌گیری برای انجام دادن چیزی متمرکز است (شعبانی، ۱۳۷۸: ۵۱). در این راستا وولفولک<sup>۱</sup> (۱۹۹۵)، به نقل از سیف، (۱۳۷۹: ۵۵۰) می‌گوید تفکر انتقادی ارزیابی تصمیمات از راه بررسی منطقی و منظم مسائل، شواهد و راه‌حلهاست. وایتهد<sup>۲</sup> نیز با کلام معروف خود که یادگیری شاگردان بی‌فایده است مگر اینکه کتابهای خود را گم کنند؛ جزوات خود را بسوزانند و ... تلویحاً به این معنا اشاره دارد که ثمره واقعی تعلیم و تربیت باید فرایندی فکری باشد که از مطالعه یک رشته به وجود می‌آید نه از طریق اطلاعات جمع‌آوری شده (مایرز، ۱۳۷۴: ۸).

کانت هم اساس معرفت را عبارت از نظم بخشیدن به اطلاعاتی می‌داند که از راه حواس گردآوری می‌شود و منظور از تدریس را تنها ارائه اطلاعات به شاگرد نمی‌داند و اعتقاد دارد مقصود از آن یاری به شاگرد است تا اطلاعات را کلیت بخشد و با معنا سازد. معلم باید ذهن شاگرد را برانگیزد تا تصورات موجود در ذهن وی زنده شود (نقیب زاده، ۱۳۶۴: ۱۷). پس به منظور ایجاد تحولات اجتماعی، مربیان تعلیم و تربیت باید درباره نقش خود دوباره فکر کنند و فعالیت‌های خود را بر آموزش مهارت‌ها و روشهایی متمرکز سازند که شاگردان برای تحقیق مستقل بدان نیاز دارند (مایرز، ۱۳۷۴: ۷).

در بحث از تفکر انتقادی عقاید دیویی می‌تواند آشکارا در این مقوله به ما کمک

کند. دیوبی ضمن بررسی ماهیت تفکر انتقادی مدعی است که تفکر منطقی شامل دو مرحله است: مرحله اول آن حالت شک، تردید، پیچیدگی و مشکل دماغی است که در آغاز تفکر به کار می رود، و عمل کنجکاو، تحقیق و پیدا کردن مطالب و مواد به منظور بیرون آمدن از آن حالت شک و تردید و پیچیدگی مرحله دوم آن است. که مراحل پنجگانه حل مسئله را در این ارتباط پیشنهاد می کند. وی ماهیت تفکر انتقادی را تردید سالم معرفی می کند (مایرز، ۱۳۷۴: ۱۵). با این حساب تفکر انتقادی را باید در مراحل بالای طبقه بندی بلوم از تفکر یعنی تحلیل و ارزشیابی جای داد؛ ولی در بعضی مواقع این کلمه در جای خود مورد استفاده قرار نمی گیرد. آندولینا میک<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) معتقد است که بیشتر اوقات کلمه انتقادی، معنای ضمنی نقد کردن را به ذهن شنونده متبادر می کند که بعد منفی دارد و تأثیری ناخوشایند و نامساعد بر یک اندیشه، نظریه یا عمل می گذارد و اگر از واژه انتقادی در تفکر انتقادی این معنا استنباط شود، مسلماً به تفکر انتقادی به منزله نوعی ارزیابی غیرسازنده نگریسته می شود در حالی که وینینگهام و پروسر (۲۰۰۱)، به نقل از ملکی، (۹۹: ۱۳۸۵) بر این باورند که تفکر انتقادی فرایندی تحلیلی است که می تواند به شما کمک کند تا در جریان شیوه مؤثر و سازماندهی شده یک مسئله قرار گیرید و درباره آن مشکل فکر کنید. در تأیید این مطالب پیشتر<sup>۲</sup> (۲۰۰۷)، به نقل از هاشمیان نژاد، (۱۷: ۱۳۸) مهارتهای اصلی تفکر انتقادی را بیان می کند که همگی در سطوح بالای تفکر قرار دارد. وی اولین مهارت را تحلیل می داند و در مراحل بعدی تفسیر، خودتنظیمی، ارزشیابی تعریف، و استنتاج هم در مرحله آخر است. در واقع فرد با استدلال و منطق به بررسی و تجدید نظر در عقاید، نظرها و رفتار می پردازد و بر

بنیای دلایل و شواهد تصمیم گیری می کند.

تفکر انتقادی بیش از نقد کردن و هر فعالیت ذهنی دیگر هدفمند است. البته گاهی تفکر انتقادی این دو مورد را نیز شامل می شود. تفکر انتقادی فرایندی است که به موجب آن نظر، اطلاعات و منابع اطلاعات را فراهم می کند و فرد بر مبنای آنها قادر به ارزیابی می شود و به طور منسجم و منطقی آنها را نظم می بخشد؛ با مفاید و اطلاعات دیگر مرتبط می سازد؛ منابع دیگر را در نظر می گیرد و برای تفاهیم ضمنی آنها را مورد ارزیابی قرار می دهد (ملکی، ۱۳۸۵: ۹۹)؛ به عبارت دیگر در این فرایند داده به اضافه تحلیل انسان به اطلاعات تبدیل می شود. هم چنین اطلاعات به کمک تحلیل و پردازش به دانش تبدیل می شود که در تمامی این فرایند رویکرد تفکر انتقادی، که همان خرد و آگاهی شخص است، نقش اساسی دارد (آبوت، ۱۹۹۳: ۱۶).

تیین اصول پنجگانه تفکر انتقادی براساس آرای واتسون - گلیزر<sup>۱</sup> می تواند به روشن معنا و مفهوم تفکر انتقادی در این مقاله کمک کند که به قرار زیر است:

۱) استنباط<sup>۲</sup>: استنباط نتیجه ای است که فرد از پدیده ها به دست می آورد؛ مثلاً اگر چراغهای خانه ای روشن باشد و از داخل خانه صدای موسیقی شنیده شود، شخص می تواند استنباط کند احتمالاً کسی در خانه است. البته این استنباط می تواند درست یا نادرست باشد؛ مثلاً ممکن است اهل خانه هنگام بیرون رفتن، چراغها و رادیو را خاموش نکرده باشند. استنباط، توانایی تشخیص داده های درست از نادرست از میان اطلاعات داده شده است.

۲) شناسایی مفروضات<sup>۳</sup>: مفروض عبارتی است که از پیش در نظر گرفته، و

بدیهی فرض، و یا برای پذیرفته شدن پیشنهاد می شود. وقتی می گوئید من در مرداد ماه فارغ التحصیل خواهم شد، فرض می کنید تا مرداد ماه زنده خواهید بود و یا دانشکده، فارغ التحصیلی شما را در مرداد اعلام خواهد کرد و مواردی از این قبیل. شناسایی مفروضات در واقع، توانایی تشخیص مفروضات پیشنهادی از عبارات بیانی است.

۳) استنتاج<sup>۱</sup>: در استنتاج از مقدماتی منطقی، نتیجه و یا نتایجی گرفته می شود. در استنتاج، پیشداوریهای ذهنی نباید بر قضاوت و نتیجه گیری تأثیر بگذارد؛ چرا که این فرایند را از شیوه منطقی خود خارج می کند و باعث نتیجه گیری نادرست می شود. در استنتاج، حرکت ذهنی از جزء به سوی کل است بدین ترتیب که از مقدماتی جزئی نتیجه کلی گرفته می شود.

۴) تعبیر و تفسیر<sup>۲</sup>: تعبیر و تفسیر توانایی پردازش اطلاعات و تعیین اعتبار آنهاست. در این فرایند باید قضاوت شود که آیا نتایج به طور منطقی از داده و مقدمه های خود گرفته شده است یا خیر. بنابراین در تعبیر و تفسیر، استنتاجی صورت نمی گیرد بلکه نتایج در دسترس ماست و موضوع مهم این است که داده ها و مقدمه ها مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرند و برآورد شود که آیا نتایج گرفته شده از آنها درست است یا نادرست.

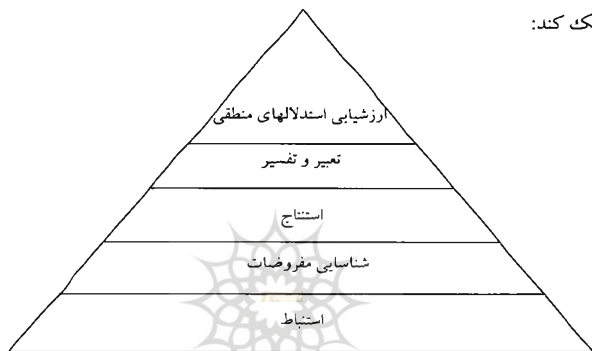
۵) ارزشیابی استدلالهای منطقی<sup>۳</sup>: در موارد مهم تصمیم گیری درباره انتخاب استدلالهای قوی و ضعیف، مطلوبتر این است که بتوانیم استدلالهای قوی و ضعیف را تشخیص دهیم. هر استدلال منطقی وقتی قوی است که هم مهم و هم در ارتباط مستقیم با سؤال باشد و استدلال وقتی ضعیف است که مستقیماً در ارتباط با سؤال

1 - Deduction

2 - Interpretation

3 - Evaluation of Arguments

نباشد (حتی اگر از اهمیت زیادی برخوردار باشد) یا کم اهمیت باشد و یا تنها با جنبه‌های علمی و کم اهمیت سؤال در ارتباط باشد (واتسون و گلایزر، ۱۹۸۰). ترسیم هرم اصول پنجگانه تفکر انتقادی واتسون و گلایزر می‌تواند به درک بهتر این مراحل کمک کند:



شکل ۳- اصول پنجگانه تفکر انتقادی واتسون و گلایزر، منبع: مؤلف

در کل با استناد به تعریف والبرگ<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) می‌توان گفت که تفکر انتقادی روشی است که از کاربرد سطوح بالای تفکر (تحلیل و ارزشیابی) به دست می‌آید. تفکر انتقادی بررسی معنا و مفهوم و یک کار چند مرحله‌ای است. در واقع، کاری عقلانی و منطقی است که از پیشرفت سطح بالای تفکر دانش آموزان به دست می‌آید (نصرآبادی و نوروزی، ۱۳۸۳: ۱۶۰). در واقع تفکر انتقادی تفکری است برای ارزیابی مسائل، که فرد با بررسی اطلاعات داده شده به قضاوت درخصوص درست یا غلط بودن پدیده‌ها می‌پردازد. با این حساب می‌توان گفت این نوع اندیشه،



اندیشه ای است مستدل و تیزبینانه درباره اینکه چه چیزی را باور کنیم و چه اعمالی را انجام دهیم. باور کردن پدیده ها به برون معطوف است و اینکه چه اعمالی را انجام دهیم به درون مربوط است؛ یعنی متفکر انتقادی هم رفتار خویش را به چالش می کشد و هم هر پدیده و اندیشه ای را به راحتی و کورکورانه نمی پذیرد.

### راه های پرورش تفکر انتقادی و چگونگی کاربست آن در کلاس

در گذشته کمتر فکر می شد که ممکن است افراد را متفکر و خلاق بارآورد. اعتقاد همگانی درباره ماهیت تفکر این بود که این مشخصات، کیفیاتی ذاتی و موروثی است که به هیچ وجه امکان کنترل و دخل و تصرف در آنها وجود ندارد؛ اما نتایج پژوهشهای مالتزن و همکاران نشان داد که تفکر، حل مشکل و خلاقیت، پدیده های متافیزیکی نیست، بلکه تفکر واقعیت و پدیده ای طبیعی است که تمام قوانین و نظامها و اصول حاکم بر رفتار انسان در اینجا نیز صادق است. تفکر، رفتاری یادگرفتنی است و بنابراین می توان افراد را با فراهم کردن شرایط قابل کنترل، متفکر و خلاق بارآورد (حسینی، ۱۳۴۸: ۳۳).

سه رهیافت را می توان برای آموزش تفکر تلقی کرد (شعبانی و رکعی، ۱۳۷۴ =

۵۰۱ - ۵۰۰):

۱- آموزش مستقیم مهارتهای تفکر: برای آموزش مستقیم تفکر به عنوان یک مهارت باید در برنامه ریزی درسی، جایگاه ویژه ای برای آن در نظر گرفته شود به طوری که به عنوان یک موضوع مستقل جایگاه واقعی خود را باز یابد.

۲- آموزش برای تفکر: این رهیافت، تفکر را به عنوان جزئی ضروری در آموزش تلقی می کند و تأکید دارد که فعالیتهای تفکر باید به عنوان بخشی از آموزش روزانه

تمام موضوعها مورد توجه قرار گیرد و مهارتهای تفکر برای موفقیت هر فعالیت بیستی ضروری است.

۳- آموزش درباره تفکر: در این رهیافت از فراگیران خواسته می شود تا درباره فکر و مهارتهای فراشناختی خود بیندیشند.

البته تفکر انتقادی نیز مانند سایر مهارتهاست. هر فرد شیوه خاص و توانمندیهای مخصوص به خود را دارد ولی همه می توانند با کسب آگاهی و آموزش، آن را به دست آورند. در گذشته می آموختیم که چگونه مطالب خود را حفظ کنیم که درک و یادسپاری بهتری داشته باشیم؛ اما اکنون می دانیم که حفظ کردن مطالب رای افکار و مغزها بی فایده است و به درک اطلاعات کمکی نمی کند (قبول، ۱۳۸۴: ۲۳).

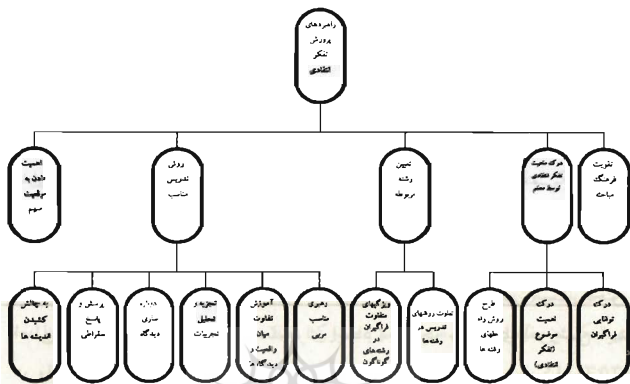
آلن بنسلی<sup>۱</sup> بر قابل آموزش بودن تفکر انتقادی تأکید می کند و می گوید همان طور که شما مفاهیم و کار را در یک رشته خاص فرا می گیرید، مهارتهای تفکر انتقادی هم قابل انتقال است و آموزش داده می شود (ملکی، ۱۳۸۵: ۹۹). اما روشهای آموزش تفکر انتقادی در رشته های مختلف فرق می کند و باید به شیوه های مختلف توسعه یابد. آموزش تفکر انتقادی به شاگردان شامل مبادله اطلاعات نیست بلکه بیشتر شامل آموزش دیدگاه ها برای تجزیه و تحلیل و تفهیم اطلاعات است (مایرز، ۱۳۷۴: ۶۴).

در این راستا ریچارد پل پنچ راهبرد آموزش را تحت عنوان راهبردهای جهانی آموزش معرفی می کند که فراتر از موضوع درسی است: ۱- نقش معلم ۲- پرسش و پاسخ سقراطی ۳- نقش بازی و دوباره سازی دیدگاه های مخالف ۴- تجزیه و تحلیل

تجربیات ۵- آموزش تفاوت میان واقعیت، دیدگاه و ارزشیابی و قضاوت منطقی به شاگردان (قبول، ۱۳۸۴: ۲۳).

به اعتقاد آیزنر<sup>۱</sup> تنها هدف تعلیم و تربیت باید تقویت مباحثه و مناظره باشد. معلمان باید بیشترین فرصت را برای چنین کاری در اختیار دانش آموزان قرار دهند. مدارس باید توانایی تفکر انتقادی دانش آموزان را در آنچه می بینند، می شنوند و می خوانند، پرورش دهند. دانش آموزان باید بیاموزند چگونه یاد بگیرند؛ به عبارت دیگر، معلم در زمینه آموزش تفکر انتقادی نقش اساسی دارد. نکته قابل توجه این است پرورش تفکر دیگران مستلزم درک ماهیت تفکر توسط مربی است. محور اصلی در اینجا روش معلم است. معلم برای ایجاد تحول در روشهای آموزشی باید در واقع نوعی تجدید بنا و دوباره سازی انجام دهد که اساسی ترین کار در این جریان، تغییر نگرش او نسبت به آموزش تفکر و بویژه تفکر انتقادی است. در این فرایند معلم باید دریابد که دانش آموزان و دانشجویمان برای تقویت قدرت فکری خود نیازمند چالش هستند نه موقعیت آسان. درگیری ذهنی است که تفکر را در ایشان بارور می سازد و بالندگی را به ارمغان می آورد (شعبانی و رکمی، ۱۳۷۴: ۵۱).

اسمیت و هولفیش<sup>۲</sup> بر این باورند که معلم باید اهمیت این موضوع را درک کند که رشد قوه تفکر در فرد شاگردان هدف اصلی آموزش است و بر این اساس فعالیتهای کلاسی را ترتیب دهد (جویس و ویل، ۱۳۸۲: ۲۴). بنابراین اولین مسئولیت معلم این است که شاگردان را از مرحله یادسپاری مطالب به مرحله تفکر و حل مشکلات سوق دهد. یافتن راه حل مناسب، اساس یادگیری روش تفکر است که باید به شاگردان آموزش داده شود (مایرز، ۱۳۷۴: ۱۵).

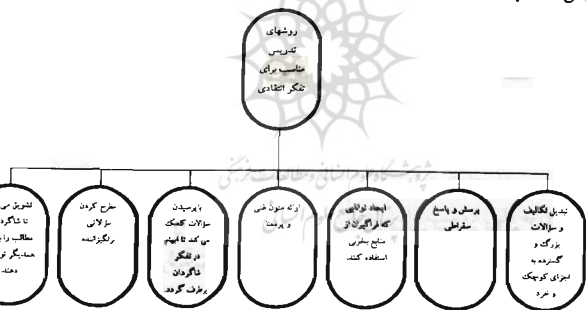


شکل ۴- راهنمای پرورش تفکر انتقادی، منبع: مولف

وظیفه معلم بالاتر از تعلیم و آموزش این است که کاری کند که قوه تجزیه و تحلیل شاگرد قدرت بگیرد. هدف تعلیم و تربیت باید رشد فکری دادن به شاگرد و جامعه باشد. معلم باید کوشش کند که به شاگرد رشد فکری یعنی قوه تجزیه و تحلیل بدهد و قوه ابتکار او را زنده کند تا بتواند استنباط، اجتهاد و رد فرع بر اصل کند نه اینکه فقط در مغز وی یک سلسله معلومات، اطلاعات و فرمول بریزد که اگر معلومات خیلی فشار بیاورد، ذهن کند می شود (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۸-۲۴). راهنمای پرورش تفکر انتقادی در نمودار (۴) ارائه گردیده است.

ریچارد پل، که عمری را در راه مطالعات و تحقیقات در تفکر انتقادی سپری کرده، معتقد است: به طور کلی نقش معلم در آموزش تفکر انتقادی به این شرح خلاصه می شود:

- ۱- او تکالیف و سؤالات بزرگ و گسترده را به اجزای کوچک و خرد تبدیل می‌کند.
- ۲- متون غنی و پرمعنایی ارائه می‌کند که یادگیری آنها توسط شاگردان با ارزش تلقی می‌شود.
- ۳- با پرسش کمک می‌کند تا ابهام در تفکر شاگردان برطرف گردد.
- ۴- سؤالاتی را مطرح می‌کند که برانگیزنده تفکر انتقادی آنان باشد.
- ۵- تشویق می‌کند تا شاگردان، مطالب و موضوعات را برای یکدیگر توضیح دهند.
- ۶- به شاگردان کمک می‌کند تا برای دستیابی به آنچه نیازمند دانستن آن هستند، چگونه از منابع استفاده کنند (آنجلی، ۱۹۹۷: ۴۷). در شکل ۵ می‌توان راهبردهای تدریس مناسب را ملاحظه کرد:



شکل ۵- روشهای تدریس مناسب برای تفکر انتقادی، منبع: مؤلف

در این میان، آموزش، تشویق و تجهیز معلمان به کاربردهای روشهای تدریس مناسب، بسترسازی و تبدیل این نوع آموزش به فرهنگی مسلط در آموزش و پرورش می‌تواند راهگشا باشد. برای تربیت تفکر انتقادی در جامعه و ترویج آن باید بسترهای لازم فراهم آید و جامعه طوری تربیت شود که در مسیر این نوع اندیشیدن حرکت کند. باید فرصتهای لازم برای شهروندان جامعه فراهم آید تا بتوانند توان انتقادی اندیشیدن خود را افزایش دهند. در این راستا باید به مقوله آموزش توجه ویژه‌ای شود؛ چون از این رهگذر است که می‌توان شهروندان جامعه را برای حرکت در این مسیر آماده کرد. در کنار امکانات و فضای مناسب، مناسبترین راهکار برای دستیابی به این هدف، آموزش معلمان است.

### موانع پرورش تفکر انتقادی

با توجه به مطالعات انجام شده در راستای پرورش تفکر انتقادی باید برخی موانع را از پیش رو برداشت. گروهی از این موانع برخاسته از کمبودهای نظام آموزشی است. تربیت معلم متخصص و عدم آشنایی مربیان از شیوه‌های تدریسی که به پرورش قوای فکری می‌انجامد و در کنار آن امکانات آموزشی از کمبودهایی است که متوجه آموزش و پرورش است.

تفکر انتقادی لازمه توانایی و مهارت ارزیابی اطلاعات است. نظام آموزشی و کتابخانه‌ها به عنوان زیرمجموعه‌ای از این نظام، وظیفه تربیت کاربرانی مجهز به تفکر انتقادی را بر عهده دارند. حری معتقد است که نظام آموزش عالی دو نقش دارد: یکی اینکه به دانشجویان بیاموزد چگونه اطلاعات خویش را بیابند و دیگر اینکه به آنان آموزش دهد چگونه اطلاعات به دست آمده را تعبیر و تفسیر کنند

(حری، ۱۳۷۸: ۳۴).

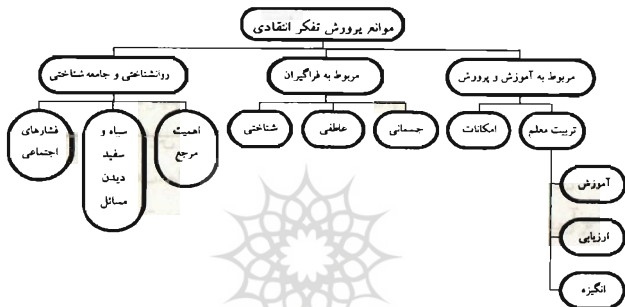
تفکر انتقادی در محیط آموزشی از جمله کتابخانه ها شکل می گیرد و پرورش می یابد؛ لذا لازم است اماکن آموزشی بویژه کتابخانه ها در ارائه خدمات خود به ایجاد و تقویت نگاه انتقادی در کاربران توجه داشته باشند و در آموزشهای کتابخانه‌ای خود این جنبه را لحاظ کنند. وجود پایگاه های اطلاع رسانی کتابخانه ای که آموزش مهارتهای اطلاع یابی را به صورت مجازی فراهم می آورد، فرصت مناسبی برای این منظور است (شریف، ۱۳۸۴: ۲۳).

افزون بر آن، طیفی از محدودیتها هم برخاسته از خود فراگیران و تواناییهای انسان است؛ هر چند این محدودیتها موقتی و زود گذر است، توجه نکردن بدانها در دستیابی به اهداف، ما را دچار مشکل خواهد کرد؛ از جمله اینکه توانایی شناختی فراگیران، وضعیت روحی و روانی آنها هنگام تدریس و وضعیت جسمانی آنها باید در فرایند آموزش مورد توجه مربیان باشد. موانع جسمی و احساسی نیز از موانع تفکر انتقادی است. این موانع که خستگی، ترس، اضطراب، وحشت و بی میلی از جمله آنهاست، باعث می شود تفکر انتقادی مسیر طبیعی خود را طی نکند. انسان در معرض انواع و اقسام موانع فیزیکی و احساسی قرار دارد. انسان خسته می شود و خستگی می تواند جلوی فرایند مثبت تفکر انتقادی را بگیرد. از سوی دیگر ممکن است انسان به دلیل دوست داشتن و یا متنفر بودن از چیزی نتواند گونه های مختلف آن را بخوبی ارزیابی کند. فشار و اضطراب، ترس و وحشت و رخوت و کاهلی هم در همه ما انسانها کم و بیش هست. از این رو اینها هم می تواند سدی برای فهم بهتر موضوعات مختلف باشد.

از سوی دخیل کردن پیشفرضها و حب و بغضها در داورها هم از دیگر موانع

وانشناختی تفکر انتقادی است. سیاه و سفید دیدن مسائل، قائل شدن به مرجعیت رامنطقی، غیر منطقی تحلیلی کردن یک مسئله، ایجاد فشارهای سیاسی و اجتماعی، تنها البته تنها بخشی از صدها مانعی است که فراروی تفکر انتقادی وجود دارد (شریف، ۱۳۸۴: ۲۳). موانع پرورش تفکر انتقادی را در شکل زیر به طور خلاصه

شاهده می کنید:



شکل ۶- موانع پرورش تفکر انتقادی، منبع: مؤلف

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
سال هجری ۱۳۸۴

## نتیجه گیری

براساس آنچه گفته شد، تحولات شگرف در علوم و فناوری اطلاعات و نظریه ها و رویکردهای جدیدی که نسبت به علم و روشهای آموزش آن مطرح شده است، دیگر، متخصصان آموزش و پرورش از انتقال واقعیهای علمی و تأکید بر محتوای دروس دست برداشته اند و اکنون بر روش و نگرش علمی در فرایند یاددهی - یادگیری تأکید می کنند و مدعی هستند که یادگیری روش علمی و کسب نگرشهای علمی با روشهای سنتی امکانپذیر نیست و باید به جای آنها از روشهای جدید استفاده



کرد. با در نظر داشتن این موارد اگر مسئولان و متخصصان تعلیم و تربیت می‌خواهند افراد آینده جامعه مان، یعنی همین دانش آموزان کنونی مدارس، افرادی مفید برای جامعه باشند و نظام آموزشی نیز با موفقیت وظیفه خود را انجام دهد، پیشنهاد می‌شود که به تفکر انتقادی به منزله ضرورتی انکار ناپذیر در مسائل علوم تربیتی و آموزش و پرورش توجه کنند. هم چنین ضرورت دارد که در برنامه های مدارس روشهایی را در پیش گیرند که به یاری آنها دانش آموزان، تواناییهای چگونه آموختن را به روش انتظام فکری بیاموزند؛ زیرا معرفت در فرایند اندیشه منظم رشد می یابد و محیطهای آموزشی و روشهای حاکم بر آنها در تحقق یافتن این اهداف نقش اساسی دارد. لازم است دانش آموزان بیاموزند که به جای ذخیره سازی حقایق با مسائلی درگیر شوند که در زندگی روزمره با آنها رو به رو می شوند. معلمان عزیز و گرامی نیز، که در این خصوص پرچم دار به شمار می روند، باید با این گونه روشها و رویکردها آشنا شوند و از آنها در اداره کلاس و آموزش دروس گوناگون استفاده کنند.

با توجه به مطالعات انجام شده در این مقاله، راهکارهایی پیشنهاد می‌شود که با بازاندیشی مربیان در شیوه های تدریس، درونی کردن اهمیت و ضرورت تفکر انتقادی در مربیان، آموزش کافی در ارتباط با شیوه های ارائه این توانایی و سرانجام، الزام به کاربرد شیوه های آموزشی مبتنی بر تفکر انتقادی در کلاس، بهبود این توانایی فراهم شود.

با توجه به نتایج، این پیشنهادها در راستای بهبود این توانایی در فراگیران ارائه می‌گردد: (۱) به جای انتقال حقایق علمی، راهنما و تحلیلگر راهبردهای به کار گرفته شده در حل مسائل باشید. (۲) اهداف آموزشی به فراگیران تحمیل نشود. (۳) یادگیری

باید توسط خود دانش آموز انجام گیرد و کنترل درونی در فرایند یادگیری داشته باشد. (۴) محیط و روش تدریس را به گونه ای ترتیب دهید که فراگیر در تحلیل چندگانه جهان اطراف خود برآید. (۵) به جای مراحل از قبل تعیین شده در آموزش، تدریس با توجه به نیاز و موقعیتهای محیط صورت گیرد. (۶) یادگیری مشارکتی در دستور کار باشد. (۷) خودآموزی و خودتنظیمی در دانش آموزان تقویت شود. (۸) به جای ذخیره سازی مطالب، اندیشه فراگیران به چالش کشیده شود.

همان طور که اشاره شد برای تربیت تفکر انتقادی در جامعه و ترویج آن باید بسترهای لازم فراهم آید و جامعه در مسیر این نوع اندیشیدن حرکت کند. باید فرصتهای لازم برای شهروندان جامعه فراهم آید تا بتوانند توان انتقادی اندیشیدن خود را افزایش دهند. در این راستا باید به مقوله آموزش توجه ویژه ای شود؛ چون از این رهگذر است که می توان شهروندان جامعه را برای حرکت در این مسیر آماده کرد.

با این حساب نقش مربی و شیوه تدریس وی اهمیت خاصی دارد. قرار گرفتن چشم اندازها، اهداف، فرایند و روشهای تدریس تعلیم و تربیت بر محور تفکر انتقادی، کمک شایانی در راستای بهبود این اندیشه است. انگیزه و علاقه مربیان و میزان آشنایی آنان با شیوه های تدریس مقتضی و مناسب مهمترین عامل در راستای تحقق این هدف است. در واقع پرورش این تفکر مستلزم درک ماهیت تفکر از طرف مربی، و «روش تدریس» معلم، محور اصلی است. برای ایجاد تحول در روشهای آموزشی معلم، باید در نقش معلم نوعی بازنگری و بازاندیشی صورت گیرد. در واقع اساسی ترین کار در این جریان، تغییر نگرش او نسبت به آموزش تفکر و بویژه تفکر انتقادی است. در این فرایند معلم باید دریابد که فراگیران برای

تفویت قدرت فکری خود نیازمند چالش هستند نه موقعیت آسان. درگیری ذهنی است که تفکر را در ایشان بارور می سازد و بالندگی را به ارمغان می آورد.

### منابع فارسی

#### قرآن مجید

نهج البلاغه (۱۳۷۳). ترجمه مصطفی زمانی. قم: انتشارات نیوی.

انصاری، محمدعلی (شارح و مترجم). *غررالحکم و دررالکلم*. ج ۱. تهران (بی تا).

بختیارنصرآبادی، حسنعلی؛ نوروزی، رضاعلی (۱۳۸۲). راه بردهای جدید آموزشی در هزاره سوم. قم: انتشارات سما.

انتشارات سما.

\_\_\_\_\_؛ (۱۳۸۳). درآمدی بر جایگاه، معنا، آثار و چشم اندازهای تفکر انتقادی. مجله حوزه و

دانشگاه. شماره ۴۰.

تامسون، آنه (۱۳۸۲). استدلال انتقادی راهنمای عمل. ترجمه هاشمیان نژاد و فریده حسن ملکی. تهران:

انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

جویس، بروس؛ ویل، مارشا (۱۳۸۲). الگوهای جدید تدریس. ترجمه محمدرضا بهرنگی. تهران: انتشارات

کمال تربیت.

حری، عباس (۱۳۸۲). اطلاع رسانی: نگرش ها و پژوهش ها. تهران: نشر کتابدار.

حسینی، علی اکبر (۱۳۴۸). تفکر خلاق. چاپ اول، شیراز: دانشگاه شیراز.

خلیلی و دبکران (۱۳۸۲). مقایسه تأثیر دو روش آموزش کلاسیک و مبتنی بر استراتژیهای تفکر انتقادی بر

میزان یادگیری پایدار دانشجویان پرستاری. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی سمنان، ج ۵، ویژه نامه

آموزش پزشکی.

دیانی، محمدحسین؛ معروف زاده، عبدالحمید (۱۳۷۰). مبانی مرجع: فنون و روشهای پرسش کاری و پاسخ

یابی از منابع کتابخانه. مشهد: آستان قدس رضوی.

سیف، علی اکبر (۱۳۷۹). روانشناسی پرورشی: روانشناسی یادگیری و آموزش. تهران: آگاه.

شریعتمداری، علی (۱۳۸۰). نقد و خلاقیت در تفکر. تهران: مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

\_\_\_\_\_؛ (۱۳۰۲). روانشناسی تربیتی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

\_\_\_\_\_؛ (۱۳۳۳). رسالتهای تربیتی و علمی مراکز آموزشی. تهران: انتشارات سمت.

شریف، غطفه (۱۳۸۴). بیان ضرورت و معیارهای ارزیابی در صفحات وب. مجله الکترونیکی پژوهشگاه

اطلاعات و مدارک علمی ایران. شماره ۴، دوره: ۴.

شعبانی سیجانی، حسن (۱۳۷۸). تأثیر روش حل مسأله به صورت کارگروهی بر روی تفکر انتقادی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی شهر تهران. رساله دکتری برنامه ریزی درسی. دانشگاه تربیت مدرس.

\_\_\_\_: (۱۳۸۰). تأثیر روش حل مسأله به صورت کارگروهی بر روی تفکر انتقادی و پیشرفت.

\_\_\_\_: (۱۳۸۲). روش تدریس پیشرفته آموزش مهارتها و راهبردهای تفکر. تهران: انتشارات سمت.

شعبانی ورکی، بختیار (۱۳۷۴). تأثیر در سه رهیافت آموزش تفکر. مجموعه مقالات سمپوزیوم نقش آموزش ابتدایی و جایگاه مطلوب آن در جامعه. اصفهان: معاونت آموزش عمومی در اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان.

عطاءاللهی، زهرا (۱۳۷۵). بررسی مقایسه ای تأثیر دو روش آموزش سخنرانی و مبتنی بر حل مسأله بر میزان یادگیری دانشجویان پرستاری. پایان نامه کارشناسی ارشد پرستاری. تهران: دانشکده پرستاری و مامائی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهیدبهشتی.

قول، احسان (۱۳۸۴). فکر انتقادی و اهمیت کاربرد آن در نظام آموزشی زبان و ادبیات فارسی. کتاب مجموعه مقالات نخستین کنگره بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی.

کلینی، محمد(بی تا). اصول کافی. ترجمه سیدجواد مصطفوی. تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.

کومبز، فیلیپ (۱۳۷۳). بحران جهانی تعلیم و تربیت ترجمه فریده آل آقا. چاپ دوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مایرز، چت (۱۳۷۴). آموزش تفکر انتقادی. ترجمه خدایار ابیلی. تهران: انتشارات سمت.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). تعلیم و تربیت در اسلام. چاپ ۲۵. تهران: انتشارات صدرا.

ملکی، حسن (۱۳۸۵). پرورش تفکر انتقادی هدف اساسی تعلیم و تربیت. فصلنامه نوآوریهای - آموزشی، ش ۱۹، سال ۶.

میرلر، محمدمهدی (۱۳۸۴). تفکر انتقادی در سنت اسلامی. روزنامه جام جم. موجود در سایت پاهو.

<http://www.Bashgah.Net/modules.php>

نقیب زاده، میرعبدالحسین (۱۳۶۴). فلسفه کانت بیداری از خواب دگماتیسم. چاپ اول. تهران: انتشارات آگاه.

یابغ انگلیسی

Abbott, Joann, (1993). Quantitative critical thinking, College teaching, Summer 93, v 41. P. 92. Database: Academic Search Elite.

Angeli, Charola. M. (1997). Examining the effects of context - free and context situated instructional strategies on learners critical thinking. Indian University.

Fisher. A (2001) Critical Thinking An Introduction. Cambridge University Press. (www.Cacbridge. Org).

- Paul, Richard (1993) what every person need to survive in a rapidly changing world. Publisher: foundation for critical thinking code: 101 B.
- Peter A. Facione (2007) Critical Thinking: What It Is and Why It Count, INSIGHT ASSESSMENT.
- Reynolds, Micheal (1999) Critical reflection and Management education: Rehabilitating of less hierer chical approaches. Jouarnal of management education, oct 99, vol. 23. P.
- Stoner M. (1999). Critical thinking for nursing. 4<sup>th</sup> ed. St. Louis: Mosby.
- Watson & Glaser (1980) Critical thinking appraisal, Published by the Psychological Corporation.



شعبه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی